

ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن

۱- محمدحسن امرایی*، ۲- غلامعباس رضایی هفتادُر**، ۳- محمدتقی زند

و کیلی***

۱- دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۱)

چکیده

از مسائلی که در زبان‌شناسی متن‌بنیاد همواره مورد توجه تحلیلگران متون مختلف قرار گرفته، انسجام (Cohesion) و هماهنگی انسجامی در متن است. در این پژوهش، بر اساس نسخه تکامل یافته از نظریه نظام مند هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، و نیز مفهوم هماهنگی انسجامی که رقیه حسن در سال ۱۹۸۴ میلادی مطرح نمود، عوامل انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل، به صورت گزینشی و استقرائی، به بوتۀ نقد و ارزیابی توصیفی-تحلیلی و آماری گذاشته می‌شود. نویسندگان برآنند تا با نگاهی فراجمله‌ای، با اتکا به نظریه مذکور، عوامل انسجام و نیز میزان این انسجام را در متن سوره علق و ترجمه آن مشخص نموده، سپس هر دو متن مبدأ و مقصد را با یکدیگر مقایسه کنند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که هر دو متن، منسجم هستند و با توجه به درصد بالای مشابهت متن مقصد با متن مبدأ در نحوه کاربست عوامل انسجام، مترجم در انتقال مفاهیم ترجمه موفق بوده‌است. **واژگان کلیدی:** نظریه انسجام، هماهنگی انسجامی، سوره علق، ترجمه، حداد عادل.

* E-mail: amrayy77@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: ghrezaee@ut.ac.ir

*** E-mail: mt_zand@yahoo.com

مقدمه

زبان‌شناسی نقشگرا از نگرش‌های مسلط در زبان‌شناسی نظری امروز است که بر نقش‌های زبانی تأکید دارد. نقشگرایان معتقدند که «زبان ابزاری برای تعامل اجتماعی و واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا، نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آنها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند» (Halliday & Hasan, 1985: 40). از این رو، آنان کار خود را با تکیه بر حیطه کلام آغاز می‌کنند و در تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌دانند. «از این دیدگاه، نظام زبان، نظامی دل‌بخواهی نیست، بلکه جامعه و متناسب با نیازهای جامعه و انسان است، به طوری که هر عنصری از زبان را می‌توان با ارجاع به نقش آن در سیستم کلی زبان تبیین کرد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۴). هالیدی با همکاری حسن انسجام متن را در کتابی با عنوان *انسجام در انگلیسی*، بررسی و عناصر آن را مقوله‌بندی کرده‌اند.

شاخه‌ای از دانش تجزیه و تحلیل کلام، «گفتمان/ سخن‌کاوی» است و بر این اصل بنیان دارد که «یک متن زمانی به گفتمان تبدیل می‌شود که کلیتی منسجم داشته باشد، حتی اگر از یک تکه کوچک زبانی تشکیل شده باشد» (گرین و لیهان، ۱۳۸۳: ۳۳). بر این اساس، «انسجام» عامل اصلی در شکل‌گیری متن است، همچنان که هالیدی معتقد است انسجام از طریق ایجاد روابط معنایی میان بخش‌های یک نوشته یا گفته، آن را به یک متن تبدیل می‌کند (ر.ک؛ Halliday & Hasan, 1976: 4).

نظریه انسجام به سبب قابلیت که در تعیین میزان انسجام در هر متنی دارد، می‌تواند چارچوبی کارآمد در راستای تحلیل میزان انسجام در متن سوره‌های قرآن و نیز ترجمه آن‌ها باشد.

یکی از سوره‌های قرآن که علی‌رغم حجم اندک‌ش، از موضوعات متنوعی سخن گفته، سوره علق است. نظر به همین تنوع موضوع و حجم اندک، کیفیت انسجام در این متن می‌تواند مورد سؤال قرار گیرد. از سوی دیگر، یکی از ترجمه‌های فارسی قرآن که در

دسترس عموم فارسی‌زبانان قرار دارد، ترجمه حداد عادل است که از حیث انسجام، از سوی ناقدان به چالش کشیده شده است (قاضی زاده و خزاعی فرید، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۰).

لذا در این پژوهش بر مبنای نظریه انسجام از هالیدی و حسن (نسخه ۱۹۸۵ م.) کیفیت انسجام در متن سوره علق و ترجمه آن به قلم حداد عادل به تحلیل گذاشته می‌شود و در پایان به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. سوره علق و ترجمه منتخب جداگانه با چه عواملی و به چه میزانی انسجام متنی دارند؟

۲. سوره علق و ترجمه منتخب از نظر انسجام متنی چه رابطه‌ای با هم دارند؟

۱. روش مطالعه

روش این مطالعه، «تحلیلی - تطبیقی» است و ساختار آن دو بخش اساسی بخش نظری که از شماره ۲ آغاز می‌گردد، ابتدا به تحلیل نظریه انسجام می‌پردازد و آنگاه نحوه استفاده از این نظریه را معرفی می‌کند.

بخش تطبیقی که از شماره ۳ آغاز می‌گردد و متشکل از دو بخش جداگانه است، در بخش اول، به تطبیق الگوی انسجام هالیدی در سوره علق و در بخش دوم به تحلیل این نظریه در ترجمه سوره علق پرداخته است. در پایان، نتایج به طور مقایسه‌ای تحلیل شده است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی کیفیت انسجام در متن قرآن از دیرباز مد نظر مفسران و بلاغیان بوده است و آن‌ها، به ویژه در «علم مناسبات» به آن پرداخته‌اند. اما در عصر حاضر، نظریه انسجام چارچوبی کارآمد برای بررسی انسجام در متون را فراهم ساخته که البته مورد توجه قرآن پژوهان نیز قرار گرفته است، به ویژه در پژوهش‌هایی همچون: ۱- «تحلیل عناصر نقش مند در انسجام بخشی به ساختار آوایی متن قرآنی» از احمد پاشازانوس و همکاران. ۲- «مطالعه زبان شناختی روابط متنی در قرآن» از سلوی محمد العوی. ۳- «بررسی عناصر

انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا» از سید مهدی مسبوق و شهرام دلشاد. ۴- «واکاوی زبان‌شناختی باهم‌آیی واژگانی در قرآن مجید» از عباسعلی آهنگر و اعظم میکده. این نظریه به تازگی به عرصه مطالعات ترجمه قرآن نیز راه یافته است و مقالاتی همچون «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده» به قلم نعمتی و ایشانی، و «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام» از نعمتی را به دنبال داشته است. مقاله حاضر در امتداد این پیشینه، در اقدامی جدید، کیفیت انسجام در متن سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل را به صورت مقایسه‌ای بررسی خواهد کرد.

۳. ادبیات و مبانی نظری پژوهش

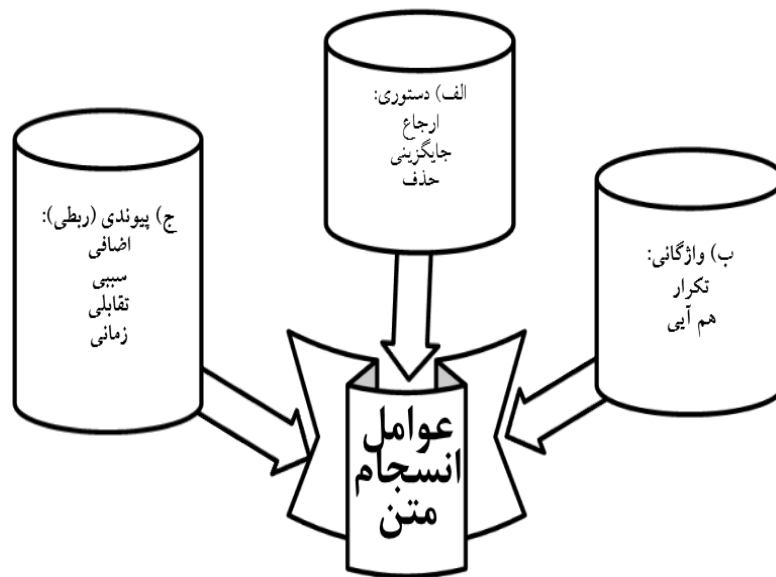
۳-۱) نظریه تکامل یافته هالیدی و حسن درباره انسجام

از نظریه‌های مهم زبان‌شناسی در تحلیل متون، نظریه انسجام هالیدی و حسن است. این نظریه در حوزه مطالعات متن‌شناسی، مؤلفه «انسجام» را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری متن معرفی می‌کند و به تحلیل عوامل انسجام در متن می‌پردازد. از دیدگاه این نظریه، اگر اجزای جمله‌های نوشته یا گفته‌ای با هم مربوط باشند، آن نوشته یا گفته، یک متن (Text) را شکل می‌دهند. هالیدی و حسن، ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای را بررسی کرده‌اند. آن‌ها روابط بین جمله‌ای در متن را «انسجام متنی» نامیده‌اند و آن را این گونه تعریف کرده‌اند: «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به عنوان یک متن از غیرمتن متمایز می‌سازد» (سارلی، ۱۳۹۰: ۵۵).

هالیدی رویکرد خود را نقشگرایی می‌خواند؛ زیرا معتقد است که آرای او نسبت به زبان، بیشتر متکی بر نقش عناصر زبانی است تا صورت آن‌ها. او این اتکاء به نقش را در سه تفسیر به کار می‌برد: الف) در تفسیر متون. ب) در تفسیر نظام زبانی. ج) در تفسیر ساخت‌های عناصر زبانی. از نظر او، دستور نقشگرا دستوری طبیعی است و هر متنی، خواه گفتاری خواه نوشتاری، مفهوم خود را در بافت کاربردی بازمی‌یابد (ر.ک؛ آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۸).

۲-۳) ابزارهای انسجام (Cohesion Devices)

هالیدی و حسن عوامل انسجام متن را ابتدا به سه گروه کلی دستوری، واژگانی و پیوندی (ربطی) تقسیم می‌کنند؛ به این ترتیب:



در ادامه، عوامل انسجام با زیرمجموعه‌های آن‌ها توضیح داده می‌شود.

۱-۲-۳) عوامل دستوری (Grammatical Elements)

۱-۱-۲-۳) ارجاع (Reference)

منظور از ارجاع، عناصر ضمیری در متن است؛ مانند «آن سال که برف سنگینی آمد، آقای شفیع، همسایه ما، سر خورد و پایش شکست. همسایه‌ها او را به بیمارستان بردند» (سجودی، ۱۳۹۳: ۱۰۲). «آقای شفیع»، «ش» و «او» هم‌مرجع هستند و از طریق روابط هم‌مرجعی به شکل‌گیری بافتار متن کمک می‌کند.

۲-۱-۲-۳ جایگزینی (Substitution)

جایگزینی به عملکرد یکی از عناصر متن اشاره دارد که به لحاظ معنایی، به جای یکی از عناصر قبلی در متن آمده است؛ مثل: «این کفش را نمی‌خواهم. آن یکی را می‌خواهم» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷).

۳-۱-۲-۳ حذف (Ellipsis)

حذف یعنی بخشی از متن که قبلاً به مخاطب شناسانده شده، در ادامه متن ذکر نشود و هیچ جانشینی هم برای آن نیاید. حذف می‌تواند برای فعل، اسم و بند رخ دهد (ر.ک؛ شعبانلو، ۱۳۸۷: ۱۷۲). به عنوان نمونه: «برای جشن مدرسه، مریم شیرینی آورد و مهری میوه». بدیهی است که «مهری میوه را آورد»، اما فعل حذف شده است.

۲-۲-۳ عوامل واژگانی (Lexical Elements)

۱-۲-۲-۳ تکرار (Reiteration)

تکرار از ابزارهای انسجام بخشی متن است که طی آن عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شود. تکرار در قالب‌هایی مانند «ترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی» و «رابطه جزء و کل» رخ می‌دهد (ر.ک؛ مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۷۰).

۲-۲-۲-۳ هم‌آیی (Collection)

هم‌آیی یکی دیگر از عناصر انسجام واژگانی است که منظور از آن، «مجاورت» یا «به هم مربوط بودن» عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است؛ مثلاً در یک متن فوتبالی، کلماتی مانند داور، بازیکن، دروازه، دروازه بان، خطا و... در جمله‌های مختلف آن، به وجود آمدن نوعی انسجام واژگانی می‌شود (ر.ک؛ آفاگل زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۳-۲-۲-۳) عوامل پیوندی (Connective Elements)

عناصر ربطی از دیگر عوامل انسجام در متن هستند که جمله‌ها را به هم پیوند می‌دهند. «در هر زبان، کلمات و عباراتی هست که نقش آن‌ها انتقال خواننده یا شنونده از جمله‌ای به جمله بعد است» (صلح‌جو، ۱۳۹۱: ۲۴). هالیدی و حسن نخست پیوندها را به دو دسته کلان و خرد تقسیم می‌کنند. مقصودشان از پیوندهای کلان عباراتی است چون «روزی روزگاری» که شروع یا پایان یک موضوع را نشان می‌دهند. پیوندهای خرد را نیز به چهار دسته تقسیم می‌کنند که عبارتند از (ر.ک؛ رحمانی، ۱۳۸۴: ۲۳):

الف) پیوندهای افزایشی: مانند «علاوه بر این» در جمله «پیرمرد افسرده بود. علاوه بر این، انگیزه‌ای برای ادامه سفر نداشت».

ب) پیوندهای تبیینی: مانند «با وجود این»: «هوا سرد است. با وجود این، من به پارک می‌روم».

ج) پیوندهای علی: به بیان روابط علت و معلولی بین وقایع می‌پردازد. عباراتی مانند «زیرا»، «برای اینکه» و مشابه آن. برای مثال در این جمله: «او به مهمانی نرفت، برای اینکه خسته بود».

د) پیوندهای زمانی: توالی زمان را نشان می‌دهد؛ مانند: «سپس»، «بعد» و مشابه آن. برای مثال در این جمله: «شما بروید. من بعد می‌آیم» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷).

۳-۳) گره (Tie)

آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، «گره» نامیده می‌شود. گره عنصری از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر مرتبط می‌سازد. هالیدی و حسن بر اهمیت «گره» بسیار تأکید کرده‌اند (ر.ک؛ قوامی و آذرخوا، ۱۳۹۲: ۷۶).

۴-۳) نقش اندیشگانی زبان

در نتیجه، تجربه‌ها و تصویرهایی که ما از جهان پیرامون و جهان ذهنی و خیالی خود داریم، به واسطه زبان مقوله‌بندی می‌شوند، به صورت مفاهیم درمی‌آیند و رمزگذاری و بیان می‌شوند. پدیدارها و نظام جهان از رهگذر این ویژگی زبان که آن را نقش اندیشگانی زبان می‌نامند، وارد زبان می‌شوند و ما این امکان را می‌یابیم که بر پایه آن، دست به کنش بزنیم. به واسطه این عمل زبان، پیوستار جهان به سه بخش عام تقسیم می‌شود (ر.ک؛ مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹) که عبارتند از:

۱-۴-۳) فرایند (Process)

«فرایند» ناظر است بر یک رخداد، یک کنش، یک حالت، یک فرایند احساسی، گفتاری یا وجودی.

۲-۴-۳) مشارکین فرایند (Participants in the process)

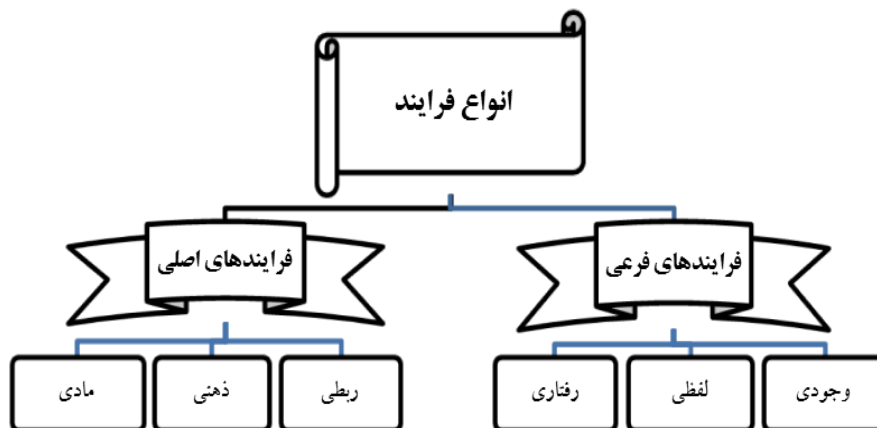
عناصر دست اندر کار فرایندند که می‌توانند یا عامل فرایند باشند، یا فرایند بر آن اعمال شود، یا آنکه از فرایند بهره‌مند شوند.

۳-۴-۳) عناصر پیرامونی (Circumstantial Elements)

عناصری هستند که زمان و مکان، شیوه عمل، وسایل، اسباب و شرایط فرایند را رقم می‌زنند. فرایندها به تناسب نوع و معنایی که دارند، می‌توانند یک یا دو یا سه مشارکت داشته باشند که در بیان فنی معناشناختی، فرایند یک‌ارزشی، دوارزشی و سه‌ارزشی نام دارند. برای نمونه، فرایند «مُردن» فقط یک مشارک دارد و فرایندی یک‌ارزشی است، اما فرایند «دادن»، بالقوه سه مشارک دارد و فرایندی سه‌ارزشی است: مثل: الف) علی مُرد. ب) من کتاب را به فرشته دادم. در «الف»، «علی» و در «ب» «من»، «کتاب» و «فرشته» مشارکین فرایند هستند.

۳-۵) فرایندها (Processes)

از دید زبان‌شناسی نقشگرا، «گذرایی» یک ویژگی جمله است که برای مشخص کردن انواع فرایندها در جمله به کار می‌رود. هالیدی در تعریف گذرایی می‌نویسد: «گذرایی در اصل، رمزگذاری تجربیات ما از فرایندهاست» (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). فرایندها به لحاظ معنایشان در شش گروه دسته‌بندی می‌شوند و به تناسب معانی خود، مشارکین ویژه‌ای را می‌پذیرند. فرایندها به دو دسته کلی «فرایندهای اصلی» و «فرایندهای فرعی» تقسیم می‌شوند که هر یک، سه فرایند را پوشش می‌دهند. در حوزه گذرایی فعل، هالیدی سه نوع فرایند اصلی را با نام‌های «مادی»، «ذهنی» و «ربطی» و سه نوع فرایند فرعی به نام‌های «رفتاری»، «لفظی» و «وجودی» معرفی می‌کند (ر.ک؛ هالیدی، ۱۹۹۴م: ۱۰۷؛ به نقل از: سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۱):



۳-۵-۱) فرایندهای اصلی (The main processes)

۳-۵-۱-۱) فرایند مادی (Physical process)

این فرایند به آن فعالیت‌های کنشی مربوط است که بر انجام دادن کاری فیزیکی دلالت می‌کند؛ مانند خوردن، گرفتن و... در این نوع فرایند ممکن است یک شرکت کننده

(مشارک) اصلی با عنوان کنشگر داشته باشیم، مانند: «من خواهم آمد» در این جمله «من» کنشگر محسوب می‌شود (ر.ک؛ هالیدی و حسن، ۱۹۸۵: ۳۷).

۳-۱-۵ (Mental process) فرایند ذهنی

این فرایند در اصل به امور ذهنی، حسی و فکری مربوط است؛ مانند دوست داشتن، فکر کردن، خوشایند بودن و... شرکت‌کننده در این فرایند، «حسگر» (مُدِرِک)، و آنچه در این فرایند احساس می‌شود، «پدیده» نام دارد؛ برای مثال: «من راز فصل‌ها را می‌دانم و حرف لحظه‌ها را می‌فهمم» در اینجا «من» حسگر (مُدِرِک)، و «راز فصل‌ها» و «حرف لحظه‌ها» پدیده‌های بند هستند (ر.ک؛ پهلوان‌نژاد و زمردیان، ۱۳۸۳: ۶۳).

۳-۱-۵ (Related process) فرایند ربطی

این فرایند «با فعل‌های شدن، داشتن، به نظر رسیدن، بودن و... در ارتباط است. شرکت‌کننده در این فرایند، «حامل» نامیده می‌شود و آنچه «اسناد» داده می‌شود، ممکن است صفت باشد (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۱۶)؛ مانند «غمگین» در جمله «من غمگین هستم» و یا «یکسانی»؛ مانند «عشق» در جمله «خدا عشق است» و یا ممکن است مالکیت باشد؛ مانند «مدادهای زیادی» در جمله «من مدادهای زیادی ندارم».

۳-۱-۵ (Processes_Sub) فرایندهای فرعی

الف) فرایند رفتاری (Behavioral Processes)

این فرایند در برگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک جاندار یا جاندار پنداشته شده است. در این فرایند، فقط یک شرکت‌کننده به نام «رفتارگر» وجود دارد (ر.ک؛ مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۵)؛

مانند:

- دخترک چند ساعتی می‌گریست.

- او از ته دل خندید.

در این مثال‌ها «دخترک» و «او» رفتارگرند و «گریستن» و «خندیدن» نیز فرایندهای رفتاری هستند.

ب) فرایند لفظی (Verbal Process)

«فرایندی است با فعل‌هایی که همه از نوع "گفتن" هستند. مشارکین این فرایند، عبارتند از: "گوینده"، "مخاطب" و "گفته" (همان: ۴۵-۴۶)؛ مثل: «کتاب راهنما جزئیات کار دستگاه را برای شما توضیح می‌دهد». در این مثال، «کتاب راهنما» گوینده بند، «جزئیات کار دستگاه» گفته، و «شما» مخاطب بند هستند (ر.ک؛ هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۲۹-۱۳۰).

ج) فرایند وجودی (Existential Process)

از موجودیت پدیده‌ای (و یا نبود آن) سخن می‌گویند. معمولاً در این فرایند، فعل «بودن» بیشترین کاربرد را دارد. مشارک این فرایند را که از هستی (یا نیستی) آن سخن می‌رود، «موجود» نامیده می‌شود؛ مثال: «او در خانه بود». در این جمله، «او»، موجود و «خانه»، عنصر محیطی و «بود»، فرایند وجودی است (همان: ۱۳۰).

۴. روش تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در متن

الف) ابتدا متن را به جمله‌های ساده تقسیم می‌کنیم.

ب) سپس واژه‌ها و عبارت‌های موجود در هر جمله ساده را بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و... جداگانه می‌نویسیم.

ج) از میان واژگان نوشته‌شده، عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن را بازشناسی می‌نماییم.

د) در مرحله بعدی، این عوامل را در زنجیره‌هایی با عناوین یکسان و مشابه قرار می‌دهیم و نمونه‌های شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها را محاسبه می‌کنیم.

ه) مرحله بعدی، محاسبه درجه انسجام متن است.

۵. بخش تطبیقی پژوهش

در این بخش، ابتدا مبحث انسجام و ابزارهای آن را در متن سوره علق، سپس در ترجمه این سوره از حداد عادل جداگانه بررسی می‌کنیم و در خاتمه نیز میزان انسجام هر دو متن را به طور آماری و نموداری ارزیابی و مقایسه می‌نماییم.

۶. تطبیق الگوی انسجام در سوره علق

۶-۱) متن سوره علق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَقْرَأْ
 وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ
 يَعْلَمَ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ ﴿٦﴾ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ ﴿٧﴾ إِنَّ
 إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَىٰ ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿١٠﴾
 أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ أَهْدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾
 أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ
 لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾
 فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ
 وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

													الذی					
							ما	لم يعلم	(هو)						۹	۵		
									يطغى	الإنسان					۱۰	۶		
									رأى	الإنسان					۱۱	۷		
									استغنى	الإنسان					۱۲	۷		
						الرجعى	(يكون)					(أنت)	ربّ		۱۳	۸		
						(عبداً مصلياً)			الناهى				أرأيت		۱۴	۹		
									هو (النبيّ)				صلّى		۱۵	۱۰		
											(أنت)		أرأيت		۱۶	۱۱		
						(المصلّى)	كان					الهدى			۱۷	۱۱		
						التقوى				الآخرين			أمرّ		۱۸	۱۲		
									(ألم يعلم) أبو جهل أو الناهى						۱۹	۱۲		
									(ه) الناهى	(يرى)		(الله)			۲۰	۱۲		
									(الذی ينهى...)				أرأيت		۲۱	۱۳		
						(الذي يكره)			(وَالَّذِينَ كَفَرُوا)				كذب		۲۲	۱۳		
									(هو)	توكلّى					۲۳	۱۳		
									(ألم يعلم)	(هو)					۲۴	۱۴		
							(كلّ شئٍ)			يرى		الله			۲۵	۱۴		
									(الناهى)	لئن لم ينته					۲۶	۱۵		
						الناصية				لنسنعنا			نحن (الله)		۲۷	۱۵		
						نصيحة كاذبة خاطئة				(وَالَّذِينَ كَفَرُوا)			نحن (الله)		۲۸	۱۶		
						دفع العدا ب			(إن كان قادراً)	(هو)					۲۹	۱۷		
						ناديه			(هو) الناهى				فليرغ		۳۰	۱۷		

۱۸	۳۱	سَدَع	نحن																			الرَّابِعَةَ
۱۹	۳۲			(أَنْتِ)	لا تطعه	(الكاذب والناهي)																
۱۹	۳۳			(أَنْتِ)	اسجد																	
۱۹	۳۴		(الله)	(أَنْتِ)	اقرب																	

چنانکه ملاحظه می‌شود، تمام واژگان (عوامل انسجام) به صورت افقی و جداگانه در جدول مربوط، کنار هم نوشته شده‌اند؛ برای نمونه، در جمله شماره ۱ از آیه ۱، جمله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در اصل به صورت «أَبْتَدَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بوده که فعل «أَبْتَدَأُ» از آن حذف شده‌است. ضمیر مستتر «أنا» در فعل «أَبْتَدَأُ» از نوع ارجاع به مابعد است و به اسم اعظم «الله» ارجاع داده می‌شود (ر.ک؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۲۹). بنابراین، با یکدیگر در یک زنجیره یا ستون عمودی قرار گرفته‌اند.

در جمله شماره ۱ نیز کلمات «الرحمن» و «الرحیم» در یک ستون جای گرفته‌اند؛ زیرا هر دو، صفت و تقریباً هم‌معنا هستند. فعل محذوف «أَبْتَدَأُ» نیز در یک ستون جداگانه قرار گرفته‌است؛ چراکه مرادف و هم‌زنجیره‌ای در کلام ندارد.

در جمله‌های شماره ۳ و ۴، فعل ماضی «خَلَقَ» تکرار گردیده، در یک ستون گذاشته شده‌است. فعل امر «أَقْرَأُ» نیز که در جمله‌های ۲ و ۵ تکرار شده، کنار هم و در یک ستون عمودی قرار گرفته‌اند.

در جمله شماره ۲ نیز «اسم رب» در زیر ستون اسم «الله» نوشته شده، با آن در یک ستون عمودی قرار گرفته‌است؛ چراکه این دو واژه با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند. در همین جمله، واژه «أَقْرَأُ» با فعل «أَبْتَدَأُ» در یک ستون عمودی قرار گرفته‌اند؛ زیرا نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر جزء و کل است. دو فعل مذکور از «دیدگاه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، از یک فرایند، یعنی فرایند لفظی یا کلامی به شمار می‌روند و در نتیجه، نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر، جزء و کل به‌شمار می‌رود» (نعمتی و ایشانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

جمله شماره ۷ (الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ) نیز در اصل به صورت: «الَّذِي عَلَّمَ الْخَطَّ بِالْقَلَمِ» بوده که مفعول جمله حذف شده است (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰: ۳۶۶). بنابراین، در تحلیل انسجام متن، باید مفعول محذوف برگردد و در کنار دیگر نمونه‌ها محاسبه شود.

ملاحظه می‌شود که واژه «القلم» در جمله شماره ۷ از آیه ۴، در یک ستون مستقل قرار گرفته است؛ زیرا نتوانسته با دیگر عوامل جدول ارتباط انسجامی برقرار نماید.

روند کار بر همین منوال ادامه می‌یابد تا جایی که تمام واژگان سوره در جدول قرار گیرند. پس از تکمیل جدول، از میان همین واژگان، نمونه‌های مرتبط (دارای هم‌زنجیره) و جنبی (بی‌هم‌زنجیره) مشخص، و میزان انسجام محاسبه می‌گردد.

برای اینکه مخاطب با روابط انسجامی حاکم بر جدول شماره ۲ تعامل بهتری برقرار کند، در جدول شماره ۳، عوامل انسجامی به همراه زیرمجموعه‌های آن‌ها مشخص شده‌اند تا نوع رابطه آن‌ها به صورت دقیق‌تری بیان گردد؛ مثلاً در جدول شماره ۳، «هو» در جمله ۱۱ به «الإنسان» در جمله ۱۰ اشاره دارد و زیرمجموعه ارجاع به شمار می‌آید و یا ضمیر «نحن» که در جمله شماره ۳۱ و در فعل «سَنَدْعُ» مستتر است، زیرمجموعه عامل حذف قرار می‌گیرد. واژه «رَبِّ» نیز که در جملات ۶ و ۱۳ تکرار گردیده است، زیرمجموعه عامل تکرار قرار می‌گیرد و یا اینکه کلمات «صَلَّى» در جمله ۱۵ و «اسْجُدْ» در جمله شماره ۳۳ با یکدیگر رابطه جزء و کل دارند و از این رو، زیرمجموعه عامل جزء و کل قرار گرفته‌اند. شایان توجه است که واژه علق نیز که عنوان سوره است، به صورت تلویحی دو بار در متن سوره (اقْرَأْ و قَلَم) تکرار شده است که این نیز نمودی دیگر از انسجام متن محسوب می‌گردد.

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، در این پژوهش، برای عنصر واژگانی «تضاد» در متن سوره علق نمونه‌ای یافت نشد.

جدول ۳: روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در سوره علق

ارجاع	به در رءاه (۱۱) الإنسان (۱۰)	به در نادیه (۳۰) الذی (۳۲)	به در لا (۱۴) الذی ینهی	الإنسان
	ینهی (۱۴)	الذی ینهی		

		(۱۰)	(۱۴)				
جانیشینی و حذف	الذی رَبَّكَ (۳) / أُنْتَ (۱) / أَمَّا (۱) / الْكِتَابَ وَالْبَيَانَ (۷) / أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ (۱۹) الذی یُنہی (۱۴) / إن کان قادراً علی دفع العذاب / أنا (۱) / نحن (۲۷، ۳۱) / الكتابة والبیان (۷) / ألم یعلم بأن الله يراه (۱۹) الذی ینہی (۱۴) / إن کان قادراً علی دفع العذاب و حذف (۲۹) / عبداً أو المصلی (۱۷) یكون (۱۳) کل شیء (۳-۲۵)						
	تکرار	إقرأ (۲) / اقرأ (۵)	الذی (۳) / عَلَّمَ (۷)	خَلَقَ (۳) / خَلَقَ (۴)	رَبِّ (۶) / رَبِّ (۱۳)	أرأیت (۴) / الإنسان (۸)	لم یعلم (۹) / لم یعلم (۲۴)
عوامل انسجام وازگانی	تضاد معنایی	ك (أنت) (۲-۶-۱۳)	اسم (۱) / اسم (۲)	الله (۱) / الله (۲)	التأسیة (۲۷) / ناصیة (۲۸)		
		هم‌معنایی	رب (۶ و ۱۳) / الله (۲۵)	ما (۹) / کل شیء (۲۵-۳)	بسم الله (۱) / بسم (۲۸)	كَذَّبَ (۲۲) / كاذبَةً رأی (۱۱) / یَعْرِی (۲۵)	عَلَّمَ (۷) / یعلم (۲۴)
جزء و كلّ	الرحمن الرحیم (۱) / الأکرم (۶) / الهدی (۱۷) / الإنسان (۴) / علق (۴) / (أبتدأ) (۱) / اقرأ (۲) / أرأیت (۱۴) / صَلَّى (۱۵) / أمر (۱۸) / كَذَّبَ (۲۲) / فَلْيَدْعُ (۳۰) / سَنَدِعْ (۳۱) / فرایند لفظی / خَاقَ (۳) / یظفَى (۱۰) / رأی (۱۱) / اسْتَعَى (۱۲) / تَوَلَّى (۲۳) / یَرَى (۲۵) / لنن لم ینته (۲۶) / لَنَسْفَعًا (۲۷) / لا تطعه (۳۲) / اسجد (۳۳) / واقترَب (۳۴) / فرایند مادی / عَلَّمَ (۷) / لم یعلم (۹) / فرایند ذهنی کان (۱۷) / یكون (۱۳) / فرایند ربطی						
	برابری	أنا (۱) / نحن (۱۷)	نادیه (۳۰) / الرئیائیة (۳۱)	التأسیة (۱۵) / ناصیة (۳۰) / کاذبَةً / خاطئة (۱۶)			
نامگذاری	علق در عنوان سوره						
تشابه	عبداً (۱۴) «ك» در ربك (الذی) (۱۳)						

در مرحلهٔ بعدی، برای دستیابی به نمونه‌های مرتبط، عوامل انسجام دارای هم‌زنجیره، در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسانی و شباهت گذاشته می‌شوند. «بر اساس نظریهٔ هالییدی و حسن، عوامل انسجام دستوری در زیرمجموعهٔ زنجیره‌های یکسانی و عوامل انسجام وازگانی، جزء زنجیره‌های شباهت در نظر گرفته می‌شوند» (ایشانی، ۱۳۹۰: ۲۶). در این مرحله، تنها آن عوامل انسجامی شرکت داده می‌شوند که در یک زنجیره (ستون) حداقل

										الرحیم	(أنا)	اسم ربّ	افراً		
										(أنت)			۲	۱	
					حَلَقَ (شئ ب)					حَلَقَ		(هو) أَلَدَى		۳	۱
					علق	الإنسان				حَلَقَ		(هو) أَلَدَى		۴	۲
											(أنت)		اقراً	۵	۳
										الاکرم		ربّ		۶	۳
					عَلَّمَ							(هو) أَلَدَى		۷	۴
					عَلَّمَ	الإنسان						(هو) أَلَدَى		۸	۵
					ما	لم يعلم								۹	۵
						الإنسان				يَطْفَى				۱۰	۶
						ه (الإنسان)				رَأَى				۱۱	۷
						ه (الإنسان)				اسْتَعَى				۱۲	۷
					(يكون)					(أنت)		ربّ		۱۳	۸
						الناهی							أرأيت	۱۴	۹
						هو (النبیّ)							صَلَّى	۱۵	۱۰
										(أنت)			أرأيت	۱۶	۱۱
					كان							الهدی		۱۷	۱۱
					التقوى					(الآخرین)			أمرّ	۱۸	۱۲
					ألم يعلم	هو) أبوجهل أو الناهی								۱۹	۱۲
						ه (الناهی)	(یری)					(الله)		۲۰	۱۲
						الناهی							أرأيت	۲۱	۱۳
						هذا الناهی							كذَّبَ	۲۲	۱۳
						هو)	تَوَلَّى							۲۳	۱۳
					ألم يعلم	هو)								۲۴	۱۴
					حَلَقَ (شئ ب)					يَرَى		الله		۲۵	۱۴
						الناهی)	لئن لم ينته							۲۶	۱۵
					الناصية		لَسَفَمَا					نحن (الله)		۲۷	۱۵
					نصيحة كاذبة خاطئة		سَفَمَا					نحن (الله)		۲۸	۱۶
						(إن كان قادراً)	هو)							۲۹	۱۷
						هو)	الناهی						فَلْيَاغُ	۳۰	۱۷
												نحن	سَنَازُغُ	۳۱	۱۸

								لا	(أنت)				۳۲	۱۹
								تطعه والناهی)	(أنت)				۳۳	۱۹
								اسجد	(أنت)				۳۴	۱۹
								اقرب	(أنت)	(الله)				

اکنون درجه انسجام متن سوره علق به صورت عملی محاسبه می‌گردد. برای تعیین میزان انسجام در متن سوره، باید نمونه‌های مرتبط - دارای هم‌زنجیره - نسبت به کل نمونه‌ها سنجیده شوند.

کل نمونه‌ها، شامل عوامل شرکت‌کننده در جدول شماره ۲ هستند. نمونه‌های مرتبط نیز شامل عوامل شرکت‌کننده در جدول شماره ۴ هستند. نمونه‌های جنبی نیز عواملی هستند که در جدول شماره ۴ دیده نمی‌شوند، اما در جدول شماره ۲ حضور دارند.

بر اساس جدول ۲، کل نمونه‌های سوره علق، نودوسه (۹۳) مورد، نمونه‌های مرتبط سوره نیز نود (۹۰) مورد، و نمونه‌های جنبی، تنها سه (۳) مورد هستند که به ترتیب در جمله شماره ۷، «القلم»، ۱۳، «الرجعی» و ۲۹، «دفع العذاب» در جدول قابل ملاحظه هستند.

بر همین اساس، انسجام سوره علق، ۹۶/۷۷٪ است. این رقم نشان می‌دهد که سوره علق بر اساس الگوی هالیدی و حسن (۱۹۸۵ م.) از انسجام بسیار بالایی برخوردار است و این موضوع، در حقیقت، پاسخی به آن دسته ناقدان معاصر غربی است که معتقدند قرآن فاقد انسجام متنی در سوره‌ها و آیات است (ر.ک؛ خوش‌منش، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۰).

۷. تطبیق الگوی انسجام در ترجمه سوره علق

۱-۷) متن ترجمه

«(۱) بخوان به نام پروردگارت که آفریننده است. (۲) (همو که) آدمی را از خون بسته آفریده است. (۳) بخوان که پروردگارت از همه ارجمندتر است. (۴) همو که با قلم آموخت. (۵) (و) به آدمی آنچه نمی‌دانست، آموخت. (۶) زنهار که آدمی طغیان می‌کند. (۷) آنگه که خود را بی‌نیاز می‌بیند. (۸) بی‌گمان بازگشت به سوی پروردگار توست. (۹) به من بگو آن کس که بازمی‌دارد. (۱۰) بنده‌ای را که نماز می‌گزارد. (۱۱) (آری) به من بگو، اگر آن بنده در مسیر هدایت باشد.»

(۱۲) یا (دیگران را) به پرهیزگاری وادارد، (آیا بازداشتن او از نماز سزاوار است؟). (۱۳) به من بگو (آن نهی کننده) اگر (وحی را) دروغ شمارد و رو بگرداند. (۱۴) مگر نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ (۱۵) زنها! اگر دست بر ندارد موی پیشانی او را خواهیم گرفت و خواهیم کشید. (۱۶) موی پیشانی دروغگویی خطاکار را. (۱۷) حال (بِهَل تا) یاران خود را فراخواند. (۱۸) ما هم شعله‌افروزان (دوزخ) را فرامی‌خوانیم. (۱۹) زنها! از چنین کس اطاعت مکن و سجده بگزار و تقرب بجو» (حداد عادل، ۱۳۹۴: ۵۹۷).

۷-۲) تحلیل عوامل انسجام در متن ترجمه سوره علق

در این قسمت از پژوهش نیز به بررسی عوامل انسجام در متن ترجمه سوره علق از حداد عادل پرداخته می‌شود. بر این اساس، ابتدا متن ترجمه سوره، بدون احتساب حروف ربط، جرّ و... به بندهای ساده‌ای تقسیم شده، سپس واژگان هر بند به صورت جداگانه در جدول شماره ۵ نوشته شده‌است. این واژگان پس از جداسازی، بسته به اینکه با هم چه نوع ارتباط انسجامی - هم‌معنایی، تضاد معنایی، تکرار و... دارند، به صورت افقی در جدول مربوط گنجانده شده‌اند.

در سمت راست جدول، ابتدا شماره آیه و آنگاه جمله نشان داده شده‌است. سپس واژگان هر جمله به طور مجزاً و افقی کنار هم نوشته شده‌اند؛ مثلاً جمله «به نام خداوند بخشنده مهربان»، در ردیف جمله شماره ۱، در اصل به صورت «به نام خداوند بخشنده مهربان آغاز می‌کنم» بوده‌است. در این جمله، ضمیر «من» در فعل «آغاز می‌کنم» حذف شده‌است. لذا زیرمجموعه عامل دستوری حذف قرار می‌گیرد.

واژه «همو که» در جمله شماره ۳ به اسم «پروردگارت» در جمله شماره ۲ برمی‌گردد و زیرمجموعه عامل ارجاع است. همچنین، عبارت «یاران خود» در جمله شماره ۲۶ با عبارت «شعله‌افروزان جهنم» برابر است و زیرمجموعه عامل برابری به شمار می‌رود.

فعل امر «بگو» در جمله شماره ۱۱، در آیه شماره ۱۷ نیز تکرار گردیده‌است. همچنین، فعل‌های «آغاز می‌کنم» (۱) بخوان (۲) بگو (۱۱) نماز می‌گذارد (۱۳) دروغ بشمارد (۱۸)

فراخواند (۲۷) فراخوانیم (۲۸) و... از دیدگاه زبان‌شناسی نقشگرا، فرایند لفظی دارند و زیرمجموعه عامل جزء و کل قرار می‌گیرند.

قابل ذکر است تمام کلماتی که با یکدیگر ارتباطی انسجامی، از قبیل تضاد معنایی، ارجاع، حذف، جزء و کل و... دارند. به همین ترتیب، در یک زنجیره معنایی قرار می‌گیرند. این عمل تا زمان تکمیل جدول به همین منوال ادامه می‌یابد.

جدول ۵: عوامل انسجام واژگانی و دستوری در ترجمه سوره علق

ردیف	کلمه	لفظی و کلامی	مادی	ذهنی	ربطی
۱	۱	به نام بخشنده خداوند مهربان (من)			
۲	۱	پروردگارت (تو)	بخوان	آفریده است	(همه چیز را)
۳	۲	همو که		آفریده است	
۴	۳		بخوان	آفریده است	
۵	۳	پروردگارت ارجمندتر			است
۶	۴	همو که (پروردگارت)		آموخت	(بیان را با) قلم
۷	۵	(او) خداوند		آموخت	آنچه نمی‌دانست
۸	۶		طغیان می‌کند	آدمی	
۹	۷		خود را بی‌نیاز می‌بیند	(آدمی)	
۱۰	۸	پروردگارت تو			بازگشت به سوی
۱۱	۹	به من (خداوند)	بگو		
۱۲	۹		باز می‌دارد	آن کس که	بنده‌ای
۱۳	۱۰	نماز می‌گذارد			

		مسیر هدایت					باشد			آن بنده								۱۴	۱۱
		پرهیز نگاری							وادارد	دیگران								۱۵	۱۲
		بازداشتن او از نماز							سزاوار است									۱۶	۱۳
												(تو) ای پیامبر (ص)	بگو		من (خداوند)			۱۷	۱۴
							وحی را			آن - نهی (کننده)			دروغ بشمارد					۱۸	۱۴
										او (نهی) - (کننده)	روی بگرداند							۱۹	۱۴
									نمی‌داند	او (نهی) - (کننده)								۲۰	۱۴
									نمی‌بیند	(او را)					خدا			۲۱	۱۴
									دست پرندارد	او (نهی) - (کننده)								۲۲	۱۵
		موی پیشانی او								او (نهی) - (کننده)	خواهیم گرفت				ما (خداوند)			۲۳	۱۵
		موی پیشانی دروغگو بی خطاکار را									خواهیم کشید				ما (خداوند)			۲۴	۱۶
												(تو) بپل						۲۵	۱۷
										او (نهی) - (کننده)			فراخواند					۲۶	۱۷
																		۲۷	۱۸
																		۲۸	۱۹
									اطاعت- مکن	چنین کس		(تو) پیامبر (ص)						۲۸	۱۹
												(تو) سجده بگذار						۲۹	۱۹
									تقرّب جو			(تو) پیامبر (ص)			(به خداوند)			۳۰	۱۹

در مرحله بعدی، برای اینکه عوامل ایجاد کننده انسجام دستوری و واژگانی مندرج در جدول شماره ۵ برای مخاطب شفاف تر باشند، در جدول شماره ۶، عوامل انسجام دستوری و واژگانی به همراه زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند؛ مثلاً کلمه «همو» در جمله شماره ۳ به «پروردگارت» در جمله شماره ۲ اشاره نموده‌است و زیرمجموعه عامل ارجاع است.

فعل «آغاز می‌کنم» در جمله شماره ۱ که در اصل به صورت «به نام خداوند بخشنده مهربان آغاز می‌کنم» بوده، حذف شده است.

ضمیر «من» در فعل «آغاز می‌کنم» زیرمجموعه عامل حذف قرار می‌گیرد و یا فعل امر «بگو» در جمله شماره ۱۱ و شماره ۱۷ تکرار گردیده است و زیرمجموعه عامل تکرار قرار می‌گیرد. همان‌گونه که دیده می‌شود، برای عامل نامگذاری و نمونه‌ای یافت نگردیده است.

جدول ۶: روابط عوامل انسجام واژگانی و دستوری در ترجمه سوره علق

عوامل انسجام دستوری	ارجاع		همو که (۶) پروردگارت (۲) (۵)	همو که (۹) آدمی (۹) خود (۹) (پوچهل) (۸)	آن کس (۱۲) بنده‌ای (۱۳) آن بنده (۱۴) او (۱۶)	آن کس که (۱۲) آن نهی کننده (۱۸) او نهی کننده (۱۸) خود (۱۸) (۲۷)	آن		
	ارجاع								
جانمایی و حذف	(همه چیز) (۲) / تو (۲) - ۴ - ۱۱ - ۱۷ - ۲۶ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ / او (۹-۷-۱۹-۲۲-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲) / خواهیم کشید (۲۵) / من (۱) / ما (۲۳-۲۴-۲۸) (کتابت و بیان) (۶) وحی (۱۸).								
عوامل انسجام واژگانی	تکرار	پروردگار (۱۰-۲۰)	آفریده است (۳۲)	همو که (۶-۳)	بخوان (۲-۴)	آدمی (۳-۸-۷)	بگو (۱۱-۱۷)	نماز (۱۳-۱۶)	موی پیشانی (۲۵-۲۴)
	هم‌معنایی	پروردگار (۲) خداوند (۱)	بخشندة مهربان (۱) ارجعتدتر (۵)	هدایت (۱۴) پرهیزگاری (۱۵)					
	تضاد معنایی								
	جزء و کل	[آغاز می‌کنم] (۱) بخوان (۲) بگو (۱۱) نماز می‌گذارد (۱۳) دروغ بشمارد (۱۸) فراخواند (۲۷) فراخوانیم (۲۸) فرایند کلامی / آفریده است (۲) طیفان می‌کند (۸) خود را بی‌نیاز می‌بیند (۹) بازمی‌دارد (۱۳) رویگرداند (۱۹) خواهیم گرفت (۲۳) خواهیم کشید (۲۴) پهل (۲۶) سجده بگذار (۳۰) فرایند مادی / آموخت (۶) وادارد (۱۵) سزاوار است (۱۶) نمی‌داند (۲۰) می‌بیند (۲۱) دست برنماید (۲۲) اطاعت مکن (۲۹) تقرّب جو (۳۱) فرایند ذهنی / آدمی (۷) خون بسته (۳)							
برابری	من (۱) / ما (۲۳-۲۴)	پیشانی او (۲۴) پیشانی (۲۶) دروغگوی خطاکار را (۲۵)	پیشانی او (۲۴) پیشانی (۲۶) دروغگوی خطاکار را (۲۵)	پیشانی او (۲۴) پیشانی (۲۶) دروغگوی خطاکار را (۲۵)					
نامگذاری									
تشابه	تو (پیامبر) (۱۰) بنده‌ای (۱۲)								

در جدول شماره ۷، عوامل انسجامی دارای هم‌زنجیره به صورت ستونی نمایش داده شده است. در این جدول، واژگانی که در جدول شماره ۶ جزء عوامل دستوری هستند، در زنجیره یکسانی و با علامت اختصاری «ی» نشانه‌گذاری شده‌اند و واژگانی که در جدول شماره ۶ جزء عوامل واژگانی هستند، در زنجیره شباهت و با علامت اختصاری «ش» مشخص شده‌اند. همچنین، واژگانی که در جدول شماره ۶ هم جزء عوامل دستوری و هم

۲۴	۱۵	ما (خداوند)	خواهیم کشید و (نهی کننده)	پیشانی							
۲۵	۱۶	ما (خداوند)	خواهیم کشید	پیشانی							
۲۶	۱۷		ای پهل (ص)	خطاکار را							
۲۷	۱۷	فراخواند	و (نهی کننده)	بازار							
۲۸	۱۸	ما (خداوند)	فراخوانیم	شعله افروزان (دوزخ)							
۲۹	۱۹	ای (ص)	چنین کس طاعت نمک								
۳۰	۱۹	سجده بگذار									
۳۱	۱۹	خداوند)	(ص)	تقرب جو							

بر اساس جدول شماره ۵، کل نمونه‌های متن ترجمه حداد عادل از سوره علق، هشتادوپنج (۸۵) مورد است که نمونه‌های مرتبط، مطابق جدول شماره ۷، هشتادو دو (۸۲) مورد و نمونه‌های جنبی آن نیز تنها سه (۳) مورد است که عبارتند از: «خون بسته» در جمله شماره ۳، «بازگشت» در جمله ۱۰ و «بازداشتن او از نماز» در جمله ۱۶. بر همین اساس، انسجام متن ترجمه فارسی این سوره، ۹۶/۴۷٪ است.

نظر به اینکه روش آماری نسبت به روش ادبی، روش مطمئن‌تری است. در این بخش، بر آن شدیم تا میزان انسجام را در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بررسی آماری کنیم و داده‌های جدول‌ها را به صورت کمی به مخاطب نشان دهیم.

جدول ۸: توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در سوره علق و ترجمه آن

عنوان	فراوانی عوامل درصد	عوامل دستوری					عوامل واژگانی				
		ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	جزء و کل	هم‌معنا بی	تضاد معنایی	برابری	تشابه	نامگذاری	
سوره علق	فراوانی عوامل درصد	۴	۳۶	۳۰	۲۸	۷	-	۳	۱	۱	
		٪۳/۶۴	٪۳۲/۷۳	٪۲۷/۵۲	٪۲۷/۲۸	٪۶/۳۷	-	٪۲/۳۷	٪۰/۹۱	٪۰/۹۱	
ترجمه سوره علق	فراوانی عوامل درصد	۱۲	۲۴	۱۸	۲۶	۳	-	۳	۱	-	
		٪۱۳/۷۹	٪۲۷/۵۹	٪۲۰/۶۹	٪۲۹/۸۹	٪۳/۴۵	-	٪۳/۴۵	٪۱/۱۴	-	
سوره علق	درصد کلی	٪۳۶/۳۹		٪۶۳/۲۸							
ترجمه سوره علق	درصد کلی	۴۱/۳۸		٪۵۸/۶۲							

با دقت در جدول شماره ۸، قابل دریافت است که این جدول بیانگر تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی میان سوره علق و ترجمه آن است. این تفاوت در عوامل

انسجامی، در ترجمه سوره بیشتر است. شاید بتوان تلاش مترجم را در ارائه ترجمه‌ای «مفهوم به مفهوم»، از اسباب این موضوع تلقی نمود.

جدول ۹: توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در سوره علق و ترجمه آن

متن	کل نمونه‌ها	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های جنبی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها
سوره علق	۹۳	۹۰	۳	۹۶/۷۷٪
ترجمه سوره علق	۸۵	۸۲	۳	۹۶/۴۷٪

نتیجه‌گیری

در سوره علق، از مجموع کل نودوسه (۹۳) نمونه، نود (۹۰) نمونه مرتبط بودند و هم‌زنجیره داشتند و تنها سه (۳) نمونه جنبی دیده می‌شود. لذا انسجام سوره علق ۹۶/۷۷٪ است. این رقم نشان می‌دهد که سوره علق کاملاً منسجم است. در ترجمه سوره از حداد عادل نیز از مجموع کل نمونه‌ها، هشتاد و پنج (۸۵) مورد، نمونه‌های مرتبط، هشتاد و دو (۸۲) مورد و نمونه‌های جنبی، تنها سه (۳) مورد است که بر این اساس، انسجام در متن ترجمه این سوره نیز ۹۶/۴۷٪ است.

این موضوع نشان می‌دهد که نمونه‌های مرتبط و دارای هم‌زنجیره، غالباً از ابتدا تا انتهای یک متن منسجم، با هم ارتباط معنایی طولی و عرضی محکمی دارند و به عبارتی با هم تشکیل «گره» (Tie) می‌دهند و سبب حفظ انسجام در متن می‌گردند، ولی نمونه‌های جنبی یا بی‌هم‌زنجیره با دیگر نمونه‌های موجود در متن، ارتباط و تعامل معنایی ندارند که این موضوع سبب نوعی شکاف و از هم گسیختگی معنایی در بافت متنی می‌گردد.

هر دو متن از نظر عوامل انسجام متن در یک سطح هستند و تقریباً تمام عوامل را دارند و تنها عامل «تضاد» در هر دو متن سوره و ترجمه یافت نشده است. سایر عوامل انسجام غیرساختاری با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن حضور دارند. عامل انسجامی تکرار در متن سوره و ترجمه، پس از عامل واژگانی جزء و کل و نیز جانشینی و حذف، بالاترین بسامد را در جایگاه سوم یافته است.

مشاهده می‌شود که بسامد عامل جانشینی و حذف در سوره، بیشتر از ترجمه آن است و این موضوع غالباً به سبب حذف ضمیر در افعال زبان عربی است که بیشتر رخ می‌دهد، اما عامل ارجاع در ترجمه بیش از سوره است. در میان عوامل واژگانی نیز عامل جزء و کل، حذف، جانشینی و تکرار در متن سوره بسامد بیشتری نسبت به ترجمه دارد. از طرفی، عامل واژگانی تضاد، در سوره و ترجمه آن بازتاب نداشته است. هر دو متن از نظر عامل واژگانی تشابه و برابری نیز با هم مساوی هستند.

با تأمل در نسبت عوامل انسجام واژگانی و دستوری در سوره علق و ترجمه آن، مشخص است که مترجم قصد داشته تا ترجمه‌ای معادل ارائه نماید. نزدیکی درصد انسجام سوره علق (۹۶/۷۷٪) با ترجمه آن (۹۶/۴۷٪)، حاکی از درصد بسیار بالای انسجام و پیوستگی متن سوره و ترجمه آن است.

پی‌نوشت

۱- یعنی عناصر محذوف در کلام هم برگردانده می‌شود.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الأندلسی، أبو حیان. (۱۴۲۰ق.). *البحر المحيط فی التفسیر*. محقق محمد جمیل صدقی. بیروت: دارالفکر.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و رضا زمردیان. (۱۳۸۳). «تحلیل نحوی - معنایی ساختمان بند ساده در زبان فارسی بر پایه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش ۱۴۵. صص ۵۵ - ۷۴.
- حدادعادل، غلامعلی. (۱۳۹۴). *ترجمه قرآن کریم*. ط ۳. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خوش‌منش، ابوالفضل. (۱۳۸۹). «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق‌شناسان و آیت‌الله طالقانی». *پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم*. س ۱. ش ۸. صص ۳۳ - ۵۰.

رحمانی، فاطمه. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل انسجامی در آثار ادبی جلال آل احمد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام‌نور تهران. گروه زبان‌شناسی.

سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی. (۱۳۹۰). «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربرد آن در یک داستان کمیته فارسی (قصه نردبان)». *فصلنامه زبان پژوهی*. س ۲. ش ۴. صص ۵۱-۷۷.

سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر علم.
شعبانلو، علیرضا، مهدی ملک‌ثابت و یدالله جلالی‌بندری. (۱۳۸۷). «فرایند دستوری در شعری بلند از عمق بخارایی». *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. س ۹. ش ۱۷. صص ۱۶۵-۱۸۸.

الصادق، محمودبن عبدالرحیم. (۱۴۱۸ق.). *الجدول فی إعراب القرآن الکریم*. ط ۴. دمشق: دارالرشید - بیروت: مؤسسه‌الایمان.

صلح‌جو، علی. (۱۳۹۱). *گفتنمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
قاضی‌زاده، خلیل و فریدعلی خزاعی. (۱۳۹۱). «اهمیت یکدستی سبک در ترجمه با نگاهی به ترجمه غلامعلی حدادعادل از قرآن». *مطالعات زبان و ترجمه*. ش ۳. صص ۸۷-۱۰۲.
قوامی، بدریه و لیدا آذرنوا. (۱۳۹۲). «تحلیل انسجام و هماهنگی در شعری کوتاه از شاملو». *فصلنامه زبان و ادب فارسی*. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. س ۵. ش ۱۵. صص ۷۱-۸۴.

مهاجر، مهران و محمد نبوی. (۱۳۷۶). *به سوی زبان‌شناسی شعر*. تهران: نشر مرکز.
نعمتی‌قزوینی، معصومه و طاهره ایشانی. (۱۳۹۲). «مقایسه کاربرد عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده». س ۲۰. ش ۱. صص ۱۲۰-۱۴۵.
هالیدی، مایکل و رقیه حسن. (۱۳۹۳). *زبان، بافت و متن*. ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: نشر علمی.

یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتنمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: نشر هرمس.
Halliday, M. A. K. (1985). *An introduction to functional grammar*. London: Edward Arnold.

_____. (1985). *Language, Context and Text: Aspect of Language in a Social Semiotic Perspective*. Oxford: University Press.

- Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Hasan, R. (1984). “*Coherence and Cohesive Harmony*”. J. Flood. (ed.). Understanding Reading Comprehension. I.R.A. Newark: Delaware.

